

که کسی نتوانست به درستی پاسخ دهد، بعد گفتم بگذارید من توضیح دهم و وقتی برایشان گفتم، همگی اعلام کردند که من درست می‌گویم. برای همین من خودم فکر می‌کنم کشتی‌گیری تکنیکی بودم، چرا که در زمان کشتی گرفتن وقتی به مانعی برخورد می‌کردم مسیر حرکتم را تغییر می‌دادم و حرکت روی حرکت می‌آوردم و اجرا می‌کردم. به نظرم من بیشتر از اینکه قدرتی باشم، محکم بودم.

اما خب حتماً قدرت تان زیاد بود که وزن کم نمی‌کردید و باز رقبای خود را شکست می‌دادید؟

بله من وزن کم نمی‌کردم. ۷۱ کیلوگرم وزن داشتم اما به خاطر موحد در وزن ۷۴ کیلوگرم کشتی می‌گرفتم. در وزن ۷۴ کیلوگرم هم تنها دو بار شکست خوردم، یک بار به مهدی رحمانی و یک بار هم احمد خونی‌نی‌ها کنده من را کشید و پیروز شد اما من بعداً با اختلاف زیاد شکست‌اش دادم، وگرنه دیگر هیچ‌وقت نباختم و در بدترین حالت مساوی می‌شدم. یک بار من و علی محمد مؤمنی مساوی شدیم، فرهنگ دوست با من کشتی نگرفت، اول شد من دوم. بعد من سه بار با خداایم‌ز فرهنگ دوست کشتی گرفتم که هر سه بار در حالی که کشتی به سمت من بود، مساوی شدیم. بعد برای انتخابی ما را فرستادند مسابقات رومانی.

آنجا بود که مصدومیت گردن فرهنگ دوست تشدید شد و تصمیم به خداحافظی از کشتی گرفت؟

فرهنگ دوست قبل‌تر مصدوم شده بود و برای همین من را به المپیک اعزام کردند که البته گردن من هم شکست و ۴۵ روز در گج بود. بعد برای انتخابی جهانی تهران با اینکه من اول شده بودم، ما را فرستادند رومانی. ایشان با دو تا از رومانیایی‌ها کشتی گرفت و با یکی‌شان هر دوه اخطاره شدند و با دیگری فرهنگ دوست سه اخطاره شد اما من هر دوی آنها را با اختلاف بالا شکست دادم. بعد یک روز موقع ناهار مرحوم فرهنگ دوست گفت «من دیگر کشتی نمی‌گیرم و خوشحالم که یک نفر جایگزین من شده‌است که از من هم بهتر است» و رفاقتانه رفت.

برایمان در مورد زیرگیری که به نام منصور برزگر ثبت شده و با نام شما می‌شناسند، بگویید؟ زیر سرتویی که در ادامه تبدیل به دو خم می‌شود.

من این فن را برای فرهنگ دوست که کشتی گیر بسیار خوبی بود و کلاس کشتی بالایی داشت و دو بار مدال نقره دنیا را به سینه زده بود درست کردم، چرا که وقتی از فرهنگ دوست زیر یک خم سرتو می‌گرفتم به خاطر اینکه گاردش مخالف بود و خودش را به جلو می‌انداخت در نتیجه نمی‌شد فن «میانکوب» را روی او اجرا کرد، از همین رو برای اینکه به امتیاز برسم، تصمیم گرفتم حرکت دیگری به این زیرگیری اضافه کنم. فکر کردم اگر دستم را اهرم کنم و شانه‌ام زیر حریف قرار بگیرد او از طرف دیگر و در حالتی مشابه دوخم به زمین می‌افتد. این فن را من برای مبارزه با فرهنگ دوست درست کردم که البته دیگر به او برخورد نکردم اما در رقابت با دیگر رقبا استفاده کردم. جالب اینکه چند روز قبل

فیلمی برای من ارسال کردند که در آن یک

مربی آمریکایی در حال آموزش

فن به شاگردان خود است

و دارد حرکتی را که من

ابداع کردم آموزش

می‌دهد و می‌گوید

که این فن در دنیا

به نام منصور

برزگر که قهرمان

دنیا شده است.

همانطور که قبل‌تر

گفتم در اجرای این

فن ابتدا شما زیر سرتو

را از حریف می‌گیرید

و اقدام به اجرای فن

میانکوب می‌کنید، با

واکنش و دفاع

حریف شانه خود را زیر بدن او قرار داده و یک خم را تبدیل به دو خم می‌کنید و حریف را روی پل می‌برید.

مادر ادامه شاهد این بودیم که علیرضا حیدری نیز این فن را از شما یاد گرفت و روی رقبای خود اجرا کرد.

حیدری روف می‌کرد. یاد دارم مسابقات امیدهای جهان در سال ۱۹۹۵ به میزبانی تهران بود. حیدری را آوردم و به او گفتم تو خوب به پاهای حریف می‌رسی. بیا و این حرکتی را که می‌گویم انجام بده. البته همان‌طور که گفتم او رقبا را روف می‌کرد، یعنی از ابتدا برای رسیدن به دویا به حریف حمله می‌کرد و من هم برای اینکه بتواند بعد از رسیدن به پای حریف آن را به روی پل زده و امتیاز بگیرد این حالت را به او گفتم و فکر می‌کنم در فینال وزن ۸۲ کیلوگرم دیوید بیچیناشویلی اوکراینی را که کشتی گیر قد بلندی بود شکست داد و هم خود قهرمان شد و هم تیم ایران به قهرمانی رسید.

حرف آقای حیدری پیش آمد. علیرضا حیدری همواره به این موضوع اشاره داشته که وابستگی فنی به شما داشته و هر زمان هم که شما در تیم ملی نبودید به نوعی از اردو خارج شده و پیش شما می‌آمده تا از نظر فنی به او کمک کنید.

من از وقتی مربی تیم ملی شدم همواره به بچه‌ها می‌گفتم اگر از نظر بدنی ضعف و مشکل داشته باشید ما می‌توانیم در مدت زمان کمی این مشکل را برطرف کنیم اما اگر مشکل فنی و تکنیکی داشته باشید برطرف کردن آن نیاز به زمان زیادی دارد. کشتی برعکس اینکه گفته می‌شد ورزش خشنی است، اتفاقاً ورزش ظریف و حساسی است چون اهرم‌ها طوری است که اگر پایتان را کمی جلو بگذارید ممکن است فنی را بخورید و اگر بگذارید عقب، ممکن است فن را برزنید، یا حتی برعکس. یا در زوایای فنون باید به نحوی جاگیری کنید که فن اجرا شود. ما اگر از قدرت‌های اهرم‌ها استفاده نکنیم در اجرای فن با مشکل مواجه خواهیم شد و کشتی بسیار سخت خواهد شد برای ما. برای همین ما همیشه با بچه‌ها می‌نشستیم و کشتی‌های‌شان با رقبا را بررسی می‌کردیم. مثلاً همین کشتی آخر علیرضا در دور اول المپیک با الدار کورتانیدزه که حیدری چهار بار به او باخته بود و برای ما هم حیاتی بود را قبل از مسابقه بارها با علیرضا بررسی کردیم تا اینکه نتوانست آن برد شیرین را به دست آورد. نه تنها حیدری من با بقیه بچه‌ها هم کشتی‌های‌شان را بررسی می‌کردیم. با رسول خادم می‌نشستیم و کشتی‌هایش را حلاجی می‌کردیم یا با علیرضا دبیر، عباس جدیدی و همه آنهايي که آن دوره کشتی می‌گرفتند، به طریقی می‌آمدند و کشتی‌های‌شان را بررسی می‌کردیم.

به این موضوع اشاره داشتید که مشکلات فنی در کوتاه مدت قابل حل نبوده و نیستند و حرف درستی هم هست اما خب ما کشتی‌گیرانی را سراغ داریم که با تمام تلاشی که در سالیان دراز شد، مشکل فنی آنها حل نشد؛ افرادی مثل اکبر فلاح، تقی داداشی، مهدی تقوی که در مبارزه با رقبای چپ گارد به مشکل می‌خوردند. فلاح و داداشی چندین سال با شما کار کردند اما هیچ‌وقت مشکلات فنی‌شان برطرف نشد. البته رسول خادم توانست تا حدودی مشکل تقوی را حل کند و دیدیم که در چند مسابقه مهدی اقدام به زیری از رقبای چپ گارد کرد که شاید یونیمتسو تاتسوشیرو ژاپنی معروف‌ترین اینها بود، البته تقوی در ادامه نشان داد که به دلیل ادامه ندادن تمرینات در نظر گرفته شده هنوز این مشکل فنی را با خود دارد و با انجام تمرینات رسول خادم که در ادامه آنها را دنبال نکرد به صورت مقطعی حل شده بود.

البته اکبر فلاح تا حدودی مشکل پای چپ را حل کرد. ضمن اینکه من باید به این موضوع اشاره کنم که اکبر هر زمان از نظر روحی و روانی با ما همراه بود، مدال گرفت و هر زمان نبود، نتوانست. به عنوان مثال در آن دو بار از چهار باری که مدال گرفت با ما همراه و همفکر بود اما در دو بار

دیگرش نه، بخصوص در المپیک که باید مدال می‌گرفت و حشش بود اما خب با ما یکی نبود و جدا شد، ضررش را هم خودش کرد. ما دو جور حرکت داریم. یک مشت حرکت است که باید در دراز مدت حل شود. یک مشت حرکت هم هست که در همان لحظه درست می‌شود و جواب می‌دهد. من یاد دارم یک بار من با غلام‌رضا محمدی به صورت چشمی ارتباط برقرار کردیم. دقیقه هشتم کشتی بود و داشت با حریف ترک کشتی می‌گرفت در ترکیه. چشم در چشم که شدیم من همان لحظه با نگاه خود به محمدی رساندم که تا داور سوت زد قبل از اینکه به حریف بچسبی زیر را بگیر و غلام این کار را کرد و حریف ترک را برد و آمد دوم شد. این ارتباطی است که بین مربی و شاگرد ایجاد

✂ جان اسمیت، ماخاریک خادارتسف، بویاسار سایتی‌اف از بهترین‌های دنیا بودند.

✂ کشتی‌های مدوید را زیاد نپسندیدم ✂ سه بار با موحد کشتی گرفتم و هر سه بار هم باختم

✂ رسول خادم کم اشتباه‌ترین شاگرد من بود ✂ فلاح هر وقت از نظر روحی در اختیار بود هیچ مشکلی نداشت

✂ بعد از جنگ جهانی کشتی به اوج خود رسید

می‌شود و اگر مربی و کشتی‌گیر با هم همراه و همفکر نباشند این اتفاق رخ نمی‌دهد. جاهایی است که با یک حرکت و یک عمل کشتی از این رو به آن رومی‌شود. یک وقت هم زمان نیاز است تا شما یک حرکت را اصلاح کنید اما خب در رده ملی این لحظه‌ها و همراهی‌ها و نگاه‌ها بسیار تأثیرگذار است و کمک می‌کند. ما رضا یزدانی را هم داشتیم که روی پای مخالف مشکل داشت و ما با یک حرکت که در زمان‌های دور منصور مهدی زاده انجام می‌داد و در این اواخر اصغر بذری و آن را به یزدانی یاد دادیم، این مشکل رضا برطرف شد.

اما خب ما هیچ وقت شاهد این نبودیم که مشکل اکبر فلاح حل شود.

اکبر فلاح روی پای چپ مشکل داشت اما هر وقت از نظر روحی در اختیار بود هیچ مشکلی نداشت. بعدها کشتی گرفت و مشکلی نداشت.

شما رسول خادم را کم اشتباه‌ترین شاگرد خود در تیم ملی معرفی کرده‌اید.

ما دو جور کشتی‌گیر داریم. یک جور کشتی‌گیر که پهلوان هستند و یک جور کشتی‌گیر که پهلوان‌ها را شکست می‌دهند. رسول خادم در دورانی که کشتی می‌گرفت از آن دسته کشتی‌گیرانی بود که پهلوانان را شکست می‌داد. یعنی کسانی را مغلوب می‌کرد که اصلاً کسی انتظارش را نداشت و فکرش را نمی‌کرد. دقیقاً چیزی را که می‌گفتم و برنامه‌ای را که داشتیم پیاده می‌کرد. در کشتی که در فینال مسابقات جهانی ۱۹۹۴ ترکیه با ماخاریک خاداراتسوف داشت و کشتی حساسی بود هم برای ما، هم روسیه و هم ترک‌ها، چرا که اگر ما می‌بردیم و طلا می‌گرفتیم، ترکیه نیز اول می‌شد. سالن یک صدا خادم را تشویق می‌کردند حتی ترک‌ها! وقتی رسول، خاداراتسوف را خاک کرد و امتیاز عقب افتاده را جبران کرد و یک بر یک مساوی شدند، جفت‌شان خسته بودند. به خادم گفتم «الان وقت استراحت نیست اون‌ا تو بیشتر بریده». ماخاریک که دید رسول بلند شد قافیه رو باخت و خادم هم در ادامه زیر گرفت و خاکش کرد و بارانداز زد و چهار بر یک برنده شد. ما اول فکر کردیم ترک‌ها برای برد رسول خوشحال هستند و شلوغ‌اش کرده‌اند اما نگو برای اینکه قهرمان شده‌اند خوشحالند. البته آنجا امیر خادم را قصابی کردند و خیلی کارهای دیگر تا تیمشان اول شد. امیر با صباح‌الدین اوزترک کشتی می‌گرفت و داوران به حریف‌اش اخطار نمی‌دادند. به حریف امتیاز اضافه دادند تا کشتی پنج بر صفر برده پنج بر پنج مساوی شود و داوران رأی به پیروزی اوزترک دهند.

می‌توانید از پهلوان‌هایی که گفتید رسول خادم شکست‌شان داد و این برده‌های او به دلتان نشست چند تن را نام ببرید؟

ویژه‌نامه آخر هفته

چهره هفته

خاداراتسوف روس را سه بار برد. کورتانیدزه از گرجستان، روبرتو لیمونتا از کوبا و داگلاس آمریکایی و خیلی‌های دیگر همگی از بازندگان رسول بودند.

کلید شکست ماخاریک خاداراتسوف ابتدا توسط عباس جدیدی زده شد.

بله، مسابقات جهانی ۱۹۹۳ بود که عباس موفق شد در تورنتو، ماخاریک را شکست دهد و قهرمان شود اما خب در ادامه آن اتفاق افتاد. بعد از آن سه سال پشت سر هم رسول خادم، خاداراتسوف را در دوفینال جهانی و یک المپیک شکست داد.

بله متأسفانه تست دوپینگ عباس جدیدی مثبت اعلام شد اما خب جدیدی در یک کشتی مهیج و در ثانیه‌های



پایانی خاداراتسوف را شکست داد تا نوار پیروزی‌های این آزادکار روس پاره شود.

همان جا هم من مربی عباس بودم. در فینال با ملوین داگلاس رقابت می‌کرد و کشتی پایاپای بود. اخطار دادند و اگر عباس از خاک بلند می‌شد یک امتیاز به او می‌دادند. ملوین مچ پای عباس را در خاک گرفت. من از کنار تشک دویدم و از آن طرف به جدیدی گفتم «از طرف دیگر بلند شو» که داور به من اخطار داد اما خب داور تاسوت زد، عباس بلند شد و کشتی را برد.

حالا که بیشتر داریم در مورد مسائل فنی گفت و گو می‌کنیم، می‌خواهم در مورد یک کشتی‌گیر از شما بپرسم. ما یک کشتی‌گیر داشتیم که زیاد کشتی نگرفت اما آنهايي که کشتی‌اش را دیده‌اند، می‌گویند شرایط فنی این کشتی‌گیر خیلی خوب بود؛ محمود کدخدایی.

محمود کدخدایی یک کشتی‌گیر جنگجو بود. اینکه بگویم روی باهایش خیلی خوب حرکت می‌کرد نه اما بیچ کمرهای خوبی می‌زد. کشتی را از اول تا آخر می‌جنگید و کشتی می‌گرفت. من در مسابقات جهانی ۱۹۸۳ کی‌یف وزن محمود را کم کرده بودم که به یکباره آمدند گفتند تیم آزاد نمی‌تواند در مسابقات کشتی بگیرد. من خیلی ناراحت شدم و خیلی حرف‌ها زدم و انتقاد کردم. در آن مسابقات به خیلی‌ها ظلم شد که یکی‌شان کدخدایی بود، یکی دیگرشان یعقوب نجفی جوبیاری و بقیه بچه‌ها؛ که چه؟ بیزن سیف‌خانی کشتی‌گیر فرنگی‌کار با رژیم صهیونیستی کشتی گرفت و جالب اینکه او را برد. جالب‌تر اینکه اینها به مربی کشتی فرنگی اعتقادی نداشتند و آمدند به من گفتند شما بیا و ما را راهنمایی کن.

گویا سیف‌خانی در ابتدای کشتی هم روی پل می‌رود و چیزی نماده بود ضربه فنی شود که با داد و فریادهای شما از روی پل فرار می‌کند و بلند می‌شود و حریف را شکست می‌دهد.

سیف‌خانی تندر می‌زد، فکر کنم تندر زد و خودش گیر کرد و من اصرار داشتم تندر نزنند که خب دیگر نزد و از راه‌های دیگر حریف را گرفت و شکست داد. شاید اگر آن زمان روزنامه‌ها خبرش را این اندازه بزرگ نمی‌کردند، آن اتفاق نمی‌افتاد. ما به خاطر مسائل سیاسی خیلی ضرر کردیم. شاید اگر کدخدایی در آن مسابقات کشتی می‌گرفت و من اعتقاد دارم به مدال می‌رسید، سرنوشتش تغییر می‌کرد. ما ۱۰ روز در کی‌یف اردو زده بودیم و طوری شده بود که کشتی‌گیران خود کی‌یف حتی نمی‌توانستند با بچه‌های ما تمرین کنند. حسن و حسین محبی خیلی خوب و آماده شده بودند. سوخته‌سرایی و سلیمانی با هم بودند. عسگری محمدیان، جوبیاری، ترکان و زرینی؛ تیم خیلی خوبی بود اما فنا شدند. از کی‌یف آمدیم، ایران المپیک را تحریم کرد و تیم به المپیک لس آنجلس نرفت، یک تیم هم که به المپیک مسکو نرفت یکسری‌ها واقعاً فنا شدند، مثل حسین محبی که نتوانست مدال المپیک بگیرد و مثل سوخته‌سرایی در اوج قدرت که می‌توانستند مدال المپیک بگیرند.

این افراد تبدیل به نسل سوخته شدند دیگر؟

بله، واقعاً متأسفم بابت این موضوع و همیشه هم گفته‌ام که مسائل سیاسی باعث شد تا اینها در دوران اوج کشتی‌شان نتوانند به حششان برسند.

یادم هست تازه حسین محبی افتاد ه